



Semnan University

Journal of Applied Arts

Journal homepage: <http://aaj.semnan.ac.ir>

ISSN: 2821-0670



Clothing as Constructed Identity (case study: Naser al-Din Shah Qajar)

Seyed Mohammad Mehrnia ¹(Corresponding Author), Neda Ashoori ²

¹ Assistant Professor, Textile Design Department, Faculty of Art, Semnan University, Semnan, Iran.

² Master's Graduate, Art Research Department, Faculty of Art, Semnan University, Semnan, Iran.

(Received: 23.08.2021, Revised: 07.09.2021, Accepted: 21.09.2021)

<https://doi.org/10.22075/aaj.2021.24325.1114>

Abstract:

In all human communities throughout the history, it has always been only the elites who have been privileged enough to be able to use their clothing as a means of expressing their wealth, power, and grandeur. Since the audience form their very first impressions upon judgments which are solely based on visual cues, clothing has always been a strong tool for the ones in power to express their identity in visual mediums. The main question that this research tries to answer is how clothing as a form expression influences the opinions that people hold about their rulers, and also what the effects of clothing are on forming factors such as hegemony and sovereignty in visual culture. This descriptive-analytical study is done by gathering documentaries and draws on Michel Foucault's power discourse theory. It examines the mechanism of power in clothing during the Islamic period, focusing specifically on Naser al-Din Shah Qajar—the Persian monarch who brought the first camera to Iran during his reign. Additionally, the research tries to shed light on the thought process of people of that era as they came to perceive their clothing as their identity. The aim of this research is expression of power through visual cues in clothing. The results of the research show the importance of clothing in maintaining one's identity and indicate how clothing constructs the identity of a society. Hence clothing as a means of expression plays a significant role in constructing the identity of a society as a whole and is an indicator of cultural features of each historical era. Therefore, people who hold the most power and authority, with the help of media as an exclusive instrument of control, have been able to use clothing as a non-verbal language to express their dominance and superiority to the public in a highly impactful manner.

Keywords: Naser al-Din Shah Qajar, Clothing, Social Identity, Media.

1- Email: mehrnias@semnan.ac.ir

2- Email: ashoorineda@semnan.ac.ir

How to cite: Mehrnia, S.M. and Ashoori, N. (2024). Clothing as Constructed Identity (case study: Naser al-Din Shah Qajar), Journal of Applied Arts, 4(1), 81-96. Doi: 10.22075/aaj.2021.24325.1114

پوشش به مثابه هویتی بر سازه

(مطالعه موردی: ناصرالدین شاه قاجار)

سید محمد مهرنیا (نویسنده مسئول)^۱

ندا آشوری^۲

^۱ استادیار، گروه طراحی پارچه، دانشکده هنر، دانشگاه سمنان، سمنان، ایران.
^۲ دانش آموخته کارشناسی ارشد، گروه پژوهش هنر، دانشکده هنر، دانشگاه سمنان، سمنان، ایران.

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۰۶/۰۱، تاریخ بازنگری: ۱۴۰۰/۰۶/۱۶، تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۰/۰۶/۳۰)

مقاله علمی-پژوهشی <https://doi.org/10.22075/AJ.2021.24325.1114>

چکیده

در طول تاریخ و در اجتماعات انسانی اطلاعاتی که به وسیله پوشش منتقل می‌شده در خدمت شکوه و عظمت اشخاصی برجسته قرار داشته‌است. استفاده از پوشش در معرفی هویت و بیان روحیات اشخاص وسیله‌ای خواهد بود که قطعاً در دستان اصحاب رسانه قرار دارد، چراکه ذهنیت مخاطب قبل از سخن گفتن به وسیله دیدن و قضاوت محیط پیرامون آغاز می‌شود. شیوه بیانگری لباس بر ادراک مخاطب از مقام و منزلت فرد و نیز نحوه شکل‌دهی به مولفه‌هایی چون سلطه و هژمونی در فرهنگ دیداری مردم پرسش اساسی این تحقیق است. روش تحقیق در این مقاله با گردآوری اطلاعات اسنادی صورت می‌گیرد و از روش توصیفی-تحلیلی استفاده شده، همچنین این تحلیل بر مبنای نظریه گفتمان قدرت میشل فوکو شکل گرفته و به واسطه سازوکار قدرت در پوشش اشخاص در دوره اسلامی و به طور ویژه به ناصرالدین شاه قاجار مورد بررسی قرار گرفته و به روند ادراک مخاطب در چگونگی ظاهر شدن لباس در نقش هویت آنان پرداخته‌است. تغییراتی که ویژگی‌های بصری در لباس افراد اجتماع در دوره ناصرالدین‌شاهی موجب شد گواه بر تاثیر و تسلط هژمونی فرهنگ غربی بر ذهن افراد دارد که دقیقاً هدف کلی این تحقیق می‌باشد. اهمیت پوشش و حفظ هویت در ذهن مخاطب از نتایج این پژوهش است. نتایج حاصل از این پژوهش موید آن است که لباس چگونه در نقش هویت یک جامعه ظاهر می‌شود. مولفه‌های بسیاری جهت بیان قدرت در لباس‌ها موثرند، بیانگری لباس که در ساختن هویت جامعه نقش مهمی داشته و ویژگی‌های فرهنگی هر دوره را نشان می‌دهد و بهره گرفتن از رسانه در هر دوره به وسیله افرادی خاص صورت می‌گیرد که اصحاب رسانه-اند و قصد دارند از زبان بصری پوشاک خود به کسب قدرت و شأن و مقام در اجتماع دست یابند.

واژه‌های کلیدی: ناصرالدین شاه قاجار، پوشاک، هویت اجتماعی، رسانه.

* این مقاله مستخرج از پایان‌نامه کارشناسی ارشد نویسنده دوم با عنوان «تأثیر ویژگی‌های بصری پوشاک صاحب‌منصبان بر ادراک مخاطب با استناد به نظریه گفتمان قدرت میشل فوکو» در دانشکده هنر سمنان است که به راهنمایی نویسنده اول انجام شده‌است.

1- Email: mehrnia@semnan.ac.ir

2- Email: ashoorineda@semnan.ac.ir

شیوه ارجاع به این مقاله: مهرنیا، سید محمد و آشوری، ندا. (۱۴۰۳). پوشش به مثابه هویتی بر سازه (مطالعه موردی: ناصرالدین شاه قاجار)، نشریه هنرهای کاربردی، ۴(۱)، ۸۱-۹۶. Doi:10.22075/aaj.2021.24325.1114

مقدمه

لباس از دیرباز عامل تمیز دهنده بسیاری از دسته-بندی‌ها بوده و اقوام به واسطه پوشش ویژه‌ای که داشتند شناخته می‌شدند. لباس در یک اجتماع شأن پوشنده را مشخص می‌کرد، لباس عامل جداکننده و نیز عامل پیونددهنده فرد به جامعه بوده‌است و امروزه نیز همچنان به این وظیفه جامه عمل می‌پوشاند. هویت به وسیله رسانه‌ها انعکاس می‌یابد و بازتولید می‌شود. در هر اجتماع پوشش نیز بخشی از رسانه‌های اجتماعی است. در ایران زمان اسلامی هویت‌ها بر اساس پوشش‌ها به دیگران ابلاغ می‌شد و پوشش بود که بیانگر هویت فرد می‌شد. چنانچه در هر دوره حکام با تغییر ظاهر به بیان نوع تفکر و ارادت خود به یک شخص یا یک ایدئولوژی دست می‌زدند، آنان مردم را نیز به نسبت کیش و آیینی که داشتند ملزم به رعایت کدهای پوششی خاص می‌کردند. لباس به عنوان مولفه بیرونی از اشخاص و نمود بارز درونیات آنان عمل می‌کند. از دیرباز در ایران باستان لباس‌ها بودند که در هر موقعیت بیانگر تحولات اجتماعی می‌شدند، از بیان شادی در روز نوروز گرفته تا رخت سوگواری، حتی در مواردی پوشیدن لباس کثیف نیز بیان‌کننده غم و اندوه درونی بوده و گاه لباس را به صورت برعکس به نشانه عزاداری استفاده می‌کردند. از این دست کدهای پوششی در طول تاریخ ایران کم نبوده‌اند، و آنچه در این پژوهش قصد داریم بدان برسیم تبیین میزان تأثیرگذاری فرهنگ غربی و سلطه هژمونی در بیانگری پوشاک به عنوان یکی از مولفه‌های تأثیرگذار فرهنگی است که در دوره سلطنت نیم قرنی ناصرالدین‌شاه وضع پوشش دچار تحولات بسیاری شد که ریشه در زمینه‌های اجتماعی آن دوره داشته و اگر به دقت بنگریم در همه اعصار می‌شود ذهنیت و جهان‌بینی حکومت‌ها را در وضع پوشش ملت‌ها درک نماییم. از آن‌جا که در واقع ارتباط غیرکلامی یکی از جلوه‌های بیان قدرتی است که در بطن جامعه جاری است و این

شیوه بیان همواره با شأن، منابع و مشروعیت اجتماعی همراه است. پوشاک یکی از ابزارهای بیان قدرت در گفتگوی غیرکلامی است. پوشاک می‌تواند ابزاری برای گفتمان قدرت در جهت ایجاد مشروعیت ظاهر گردد. در این زمینه افراد به فراخور جایگاهی که دارند درصدد بیانگری شأن اجتماعی خویش‌اند. رسانه‌های گوناگون نیز از دیرباز در خدمت این بیانگری شوکت و قدرت حکام قرار داشته‌اند. اعمال قدرت به‌وسیله کدهای پوششی که حاکی از قدرت هژمونی است به‌عنوان مساله اصلی این پژوهش است. هم‌چنین در این پژوهش قدرت و مقاومت از منظر گفتمان قدرت میشل فوکو در هویت بصری یا پوشش صاحب‌منصبان بررسی شده‌است. می‌توان گفت به نظر می‌رسد در بین رسانه‌هایی که در هر دوره قاجاریه در خدمت حکومت قرار داشته لباس قدرتمندترین و موثرترین مولفه جهت نمایش سلطه و قدرت هژمونی بوده‌است.

پیشینه تحقیق

در بین مطالعات فراوانی که در زمینه تاریخچه پوشاک ایران انجام شده‌است، برخی کتاب‌ها به دسته‌بندی-های دوره‌ای وابسته به حکومت‌ها و برخی دیگر به تقسیم‌بندی پوشاک قبل و بعد از ورود اسلام به ایران اختصاص دارند. اکثر کتاب‌ها و مقالات در این زمینه با رویکرد تاریخ‌نگاری صورت گرفته و کمتر پژوهشی به صورت جامع دیده می‌شود که هم به طبقات مختلف اجتماع نظر داشته باشد و هم به لباس سلاطین و طبقه اشراف، اما در بین همه این مطالعات، دزی در کتاب «فرهنگ البسه مسلمانان» (۱۳۴۵) با تکیه بر منابع تاریخی و سفرنامه‌ها، اثری ارزشمند در زمینه تشریح اجزاء و نحوه استفاده مسلمانان از انواع پوشاک خلق کرده‌است و چیت‌ساز در کتاب «تاریخ پوشاک ایرانیان» (۱۳۹۱) به شرح و دسته‌بندی لباس ایرانیان از زمان ورود اسلام به ایران تا حمله مغول پرداخته و رحیمی در کتاب «تاریخ پوشاک ایران» (۱۳۸۵) به

معرفی نمونه‌هایی از پوشاک ایران باستان پرداخته‌است. یحیی ذکاء که با توجه به تصاویر طراحی شده توسط مسافران از پوشش زنان ایران کتابی را با عنوان «لباس زنان ایرانی از سده سیزده هجری تا به امروز» (۱۳۳۶) نگاشته‌است نیز به مطالعه تاریخ‌نگاری پوشش از نحوه تحلیل تصویری پرداخته و در ابتدای کتاب نیز به برخی تحولات این دوره پرداخته‌است. مانا ابادری به همراه حبیب‌الله طیبی در مقاله‌ای با عنوان «مطالعه تطبیقی پوشاک بانوان قاجار قبل و بعد از سفر ناصرالدین‌شاه به فرنگ» به مطالعه لباس سنتی و لباس تجدد بانوان در دوره قاجار پرداخته‌است.

روش تحقیق

این مقاله از نوع پژوهش‌های نظری و شیوه گردآوری اطلاعات به صورت اسنادی است. در این پژوهش از شیوه توصیفی - تحلیلی استفاده شده، بدین صورت که در ابتدا به شرح اصطلاحات تخصصی بحث پرداخته و سپس تحلیل و استنتاج نحوه بیان قدرت به واسطه ویژگی‌های بصری پوشاک طبقات جامعه و درک قدرت از وضع پوشش در جامعه دوره ناصرالدین‌شاه قاجار مورد تحلیل قرار می‌گیرد.

مبانی نظری

در دوران اسلامی حکام برای تثبیت حکومت خود نیاز به حمایت گروه‌ها و دسته‌های مختلف داشتند و برای کسب شأن سلطنت خویش نیاز به نشان دادن اقتدار داشتند و این اقتدار را باید در سلطه‌ای هژمونیک به نمایش می‌گذاشتند. همان‌طور که در ابتدای دوره قاجار شاهد کسب مشروعیت بازماندگان آقامحمدخان به مدد تقلید از شاهان ایران باستان و خلق هنرهایی چون سنگ‌نوشته و پوشیدن لباس‌هایی بلند که از پوشش ایران باستان الهام گرفته شده بود و حتی پوشش زنان نیز ملهم از لباس ایران باستان بلند طرح شده بود (ذکاء، ۱۳۳۶: ۱۴). ناصرالدین‌شاه که موضوع بحث ما نیز است تحولات زیادی را در سبک پوششی موجب شد. دوران سلطنت او و سه سفری که به اروپا

داشت اتفاقات فرهنگی و اقتصادی و سیاسی فراوانی به همراه داشت و از لحاظ فرهنگی و تأثیری که بر پوشش داشت به سه دسته تقسیم می‌شود، قبل از آغاز سفرهای اروپایی، دوره سفرها و فواصل بین آن که لباس ملهم از رقاصه‌های باله در پوشش زنان الگو قرار گرفت و دوره مشروطه به بعد، انقلاب مشروطه روند سیاسی و فرهنگی متفاوتی را ایجاد کرد و در پوشش نیز تأثیراتی را داشته‌است. در ادامه برای شروع به شرح مختصر اصطلاحات گفتمان قدرت میشل فوکو پرداخته خواهد شد و همراه با آن اشاراتی نیز به پوشش و چگونگی ورود آن به مساله هویت اجتماعی را بررسی خواهیم کرد و نقش رسانه‌ای که پوشش بر عهده دارد را ذکر خواهیم کرد و تا حدودی به لباس زمان قاجار و نوع نمایش سلطه و نمایش هژمونی مدرنیته در ایران را ارائه خواهیم داد.

پوشش

کلمه لباس پوشیدن^۱ در حقیقت تعریفی بدون ابهام عاری از ارزش‌گذاری شخصی، اجتماعی یا تعصب است. لباس یک فرد مجموعه‌ای از تغییرات بدن و یا مکمل‌های بدن است. لباس، تغییردهنده فرآیندهای بدن یا رسانه‌ای برای ارتباطات است. مکمل‌های بدن هم‌زمان به عنوان محیط میکرو فیزیکی عمل می‌کنند که به عنوان رابط بین بدن و ماکرو فیزیک محیط است (Roach-Higgins, B. Eicher, 2014: 1). رابطه بین لباس پوشیدن و لباس یک رابطه معنایی است. تزئین یک شکل ضعیف از معناست، بیش از آنچه نشان می‌دهد بیان می‌کند. از نظر لغوی، لباس پوشیدن و لباس و تزئین^۲ باهم منطبق نیستند، اما زمانی که از اپل در سرشانه برای گسترده‌بودن شانه‌ها به دلیل زیباتر شدن آناتومی استفاده‌کنند، تزئین می‌تواند به عنوان وسیله‌ای که بخشی از لباس پوشیدن است اعمال شود، یک حرکت مداوم یک تبادل دیالکتیکی در رابطه با زبان و گفتار به عنوان یک عمل واقعی وجود دارد (Barthes, 2013: 9-10).

پوشش و هویت

در هر جامعه انسانی لباس تحت تأثیر زمینه اجتماعی آن جامعه قرار دارد. در حقیقت لباس و مد حامل طیف وسیعی از معانی ایدئولوژیک هستند که هویت مصرف‌کننده را در یک مدل محیط خاص بیان می‌کنند (Saravanan, 2015: 7). جامعه‌شناسان مدت‌هاست که لباس را به‌عنوان یک یادداشت اصلی توضیحی برای تعلق به یک طبقه اجتماعی در نظر می‌گیرند. می‌توانیم ببینیم که در تاریخ لباس از لباس‌ها همیشه برای تشخیص آنچه عرف و مطلوب عامه و بیانگر طبقات اجتماعی در جامعه بوده، استفاده شده‌است. ویلسون استدلال می‌کند دلیل اینکه لباس‌ها هم‌زمان بی‌اهمیت و مهم دیده می‌شوند، نتیجه مجاورت آن‌ها با بدن انسان است: لباس ما را مجبور می‌کند تشخیص دهیم که بدن انسان بیش از یک ماده بیولوژیکی است. وجود، موجودیت این ارگانیسم در فرهنگ، حتی یک مصنوعات فرهنگی است و مرزهای آن مشخص نیست. لباس مرز بین خود و غیر خود است (Akdemir, 2018: 1395-1393). ما با لباس خود را به عنوان ترکیبی از هویت‌های فردی تعریف می‌کنیم. جنبه‌های ظاهری و گفتمان و همچنین اشیاء مواد مادی و اجتماعی (افراد دیگر) که به معنی ایجاد موقعیت اثر متقابل کمک می‌کنند. (خود) نتیجه تجمیعی از اجتماعی‌شدن است. یک شخص وقتی در موقعیتی واقع شود، هویت پیدا می‌کند. لباس به اعلام هویت (برقراری ارتباط با دیگر اعضا) کمک می‌کند. موقعیت‌ها، به افراد هویت می‌بخشند

(Roach-Higgins, B. Eicher, 2014: 6).

قدرت و مقاومت

قدرت یکی از پربسامدترین مباحث در طول تاریخ بشر بوده تا جایی که میشل فوکو اندیشمند قرن بیستم ادعان می‌کند جزء قدرت هیچ مساله‌ای اهمیت ندارد. فوکو قدرت را بدون جوهر ماوراءالطبیعه می‌داند که به

شکل‌های مختلف ظاهر می‌شود. هویت انسانی که از طریق شبکه‌های بازنظام، ساخته می‌شود بر افکار انسان حکومت می‌کند و این شبکه‌ها، نهادهای قاعده‌مند و کنترل‌کننده افکار، عقاید و رفتار آدمی هستند و بر وجهه‌ای که انسان از خود در خیال خویش متصور است تأثیر می‌گذارد (رابینسون، ۱۳۸۰: ۴۰). در نظریه گفتمان قدرت میشل فوکو به این مطلب اشاره می‌کند که قدرت در تمامی اجزای موضوعات انسانی توسط نظام‌ها و شبکه‌های قدرت ساخته و پرداخته شده‌است و افراد در اجتماع مطلقاً از آن‌ها آگاهی ندارند، مخصوصاً زمانی نمود پیدا می‌کند که برای خاموش کردن مخالفان قدرت ظاهر می‌شود، آن‌گاه که حد و مرزهای تنبیه وضع می‌شوند تا رفتار انسان‌ها در چارچوب تعادلی که به نظر قدرت مناسب است، قرارگیرد (همان: ۴۱). دستگاه‌های قدرت با سازوکارها، آثار و روابطشان، در سطوح گوناگون جامعه عمل می‌کنند. قدرت در نتیجه اقتصاد است که سامان می‌یابد، از دید اقتصادگرایی در نظریه قدرت، قدرت حقی تصاحب و تملک شدنی است که هر شخصی می‌تواند داشته‌باشد. قدرت تنها در کنش‌ها وجود دارد. قدرت ذاتاً یک رابطه نیرو است و سرکوب‌کننده طبیعت، غرایز، افراد یا طبقه‌ای است (فوکو، ۱۳۸۹: ۵۳).

بیان قدرت در پوشش

فهم قدرت آن‌گاه میسر است که در محلی‌ترین جلوه و نهادهایش نظر کنیم؛ در اینجا با توجه به موضوع بحث چهره بیرونی قدرت را می‌توان با نگاهی به قوانینی که در دوران حکومت اسلامی بر پوشش طبقات مختلف و یا دیگر ادیان در جامعه اعمال می‌شد دید. قدرت در واقع تنظیم اشکال و ژست‌ها و رفتار را به عهده دارد. آنجا که قوانین به وسیله حکام وضع می‌شوند و افراد اجرا می‌کنند هر فرد با پیروی از پوشش دیکته‌شده در واقع هم در حال اطاعت از قدرت و هم به عنوان بخشی از یک اجتماع در مقام اعمال‌کننده قدرت است، زیرا تکرار یک فرمان به وسیله پوشیدن کد

دستوری خاص نیز موجب اعمال آن بر دیگران در جهت اطاعت و پیروی از آن کد خواهد شد و در اینجا است که می‌توان گفت قدرت از افراد عبور می‌کند. یکی از نخستین آثار قدرت فرد است که در آن بدن‌ها، ژست‌ها، گفتمان‌ها به صورت امری فردی شناسایی و ساخته شوند.

در روابط اجتماعی قدرت پخش شده‌است و قدرت با محدود کردن رفتارها شکل‌های ممکن رفتار را تولید می‌کند. در حکومت‌های تاریخی هر جا که حکمی مبنی بر عدم استفاده از رنگ یا جزئی از پوشش صادر شد، رفتاری تازه نیز خلق شد؛ از دو جهت که یک محدودیت را ساخت و گاه به مقاومت منتهی می‌گردد و همین‌طور با خلق آن محدودیت یک کد پوششی جدید را خلق کرد، در انواع دوران دستورات و قوانین از این دست در بسیاری از حوزه‌ها وضع شدند و مختص به پوشش نیست و باید گفت که هویت با تفاوت پیوندی ناگسستنی دارد زیرا تفاوت‌ها در بردارنده قدرت هستند (بای، ۱۳۹۰: ۴۷-۴۴). همین ایجاد تفاوت‌ها در یک اجتماع می‌تواند سازنده جایگاه‌های مختلف باشند و طبقات را خلق می‌کنند. آدمی به دلیل وجود مفاهیم و احکامی که در هر اجتماع جاری است آزادی را تجربه می‌کند و در صورت عدم وجود آزادی نیاز آن را حس می‌کند. از آنجا که قدرت و اراده ملت خالق و اداره‌کننده حاکمیت است، هر جا که در اجتماعی الفاظ، ناتوان از حفظ اصل مفاهیم باشند و مسائل خارجی بر تصور ذهن انسان منطبق نگردند، حقیقت نزد ملت ناپدید شده‌است و سلطه بر ذهن‌های آنان سایه می‌افکند (حاج سید جوادی، ۱۳۵۷: ۲۳۲-۲۳۰). مانند این موقعیت‌ها در تاریخ ایران کم نبوده‌است. در برهه‌ای از زمان زنان از تردد در شهر منع شدند و گوشه‌نشینی جمعیت زنان تا جایی پیش رفت که حتی زنی که شغلش غسالی بود با نصب کاغذی بر چادر خود که جواز عبور او بود در سطح شهر تردد می‌کرد (دزی، ۱۳۴۵: ۲۹)، اینجا دقیقاً می‌توان گفت مسائل و قواعد تازه بر ذهن افراد اجتماع

سلطه یافته‌است و این قواعد تازه موجب شده‌است نصب کاغذ یا جواز تردد بر سر و چادر زنی عادی و لازم جلوه کند.

پوشش به مثابه رسانه

در بسیاری از موقعیت‌های دنیای واقعی، برداشته‌ها در یک بازه زمانی بسیار کوتاه، اغلب چند ثانیه شکل می‌گیرند. قضاوت‌های پیچیده بر اساس شکل ظاهری در کمتر از نیم ثانیه انجام می‌شود. این می‌تواند محصول تکامل باشد که ما را به چنین ابزار ارزیابی سریعی مجهز کرده‌است (Howlett et al., 2013: 3-6). به‌طور کلی می‌توان گفت که لباس شایسته‌ترین و اجتماعی‌ترین ابزار شناسایی در میان همه فرهنگ‌ها از یک جامعه به جامعه دیگر است، زیرا جهان همیشه به‌وسیله انواع نشان خانوادگی، با انواع شخصیت، رمز و با کلمه‌های مبهم پوشیده شده‌است که رابطه امر دیدنی با نادیدنی برای گروه‌ها است (فوکو، ۱۳۸۹: ۷۱). هم‌چنین لباس را می‌توان به عنوان رسانه‌ای جهت ارائه درونیات انسان در نظر گرفت، شناخت با لباس و اجزای پوشیده‌شونده آن تا آنجا دقیق است که حتی ریزترین اجزای آن را باید مهم و تأثیرگذار دانست. هرچند انعکاس و بازتاب پدیده‌ها را نمی‌توان بازنمایی دانست، زیرا بازنمایی است که تولید معنا را به عهده داشته و آنچه که به وسیله دیدن پوشش دریافت می‌شود انعکاسی از درونیات و مقصود فرد است و اما در اینجا معنا در رابطه با قدرت در ذهن مخاطب ثبت و حک خواهد شد. این نوع از سیاست بازنمایی و ساخت معنی در حقیقت موجب می‌شود تا کالاها و قدرت در یک محیط اجتماعی به‌طور نامساوی تقسیم شوند و طبقه اشراف با این ابزار به قدرت بیشتر دست می‌یافتند. این طبقه‌بندی همان عنصر کلیدی و ابزاری مناسب جهت خدمت به قدرت است که نقش پوشش و کدهای دستوری دیکته‌شده از طرف حکومت در اعمال این طبقه‌بندی‌ها را دارد. برای قرن‌ها به اندازه هر طبقه اجتماعی لباس

حکومت‌ها اولین پایه‌گذاران تغییر و تحولات در لباس اجتماع بوده‌اند. گاه به دلایل سیاسی یا دینی و مذهبی پوشیدن لباسی منع یا تبلیغ شده‌است. یکی دیگر از دلایل، اقتصاد است که در سبک زندگی و پوشاک افراد توانسته بود تغییراتی فراوانی را خلق کند، تا زمانی که در ایران تولید منسوجات در پیشرفته‌ترین شکل خود رواج داشت (اکبری، ۱۳۹۳: ۱۶-۱۷). در بسیاری از نقوش برجای‌مانده از حکومت‌هایی که در ایران باستان وجود داشتند مانند لولوبیان و عیلامیان باستان، الهه‌گان و ایزدان با هیأتی همچون پادشاه و نیز با لباس‌هایی همچون لباس‌های پادشاه به تصویر کشیده شده‌اند (رحیمی، ۱۳۸۵: ۴). این مطلب نشان می‌دهد که پیشرفت فن و تکنیک بافت پارچه و ساخت لباس در ایران باستان چنان بود که لباس برای مقام و منزلت ایزدان به لحاظ سبک پوشش هم‌تراز با پادشاه تصور می‌شده‌است، شأن و مقامی که برای پادشاه قائل بودند کمتر از ایزدان و الهه‌گان نبوده‌است و این شاهی بصری از طرز فکر مردمان آن دوران بوده که در جهت مشروعیت سلطنت و بیانی از نمایندگی ایزدان در روی زمین به دست پادشاه بوده و او را در مقامی شبهه‌خدایی قرار می‌دادند. بعدها در هنر هخامنشی این الوهیت به وسیله اضافه کردن نمادهای قدرت چون بال به نقش برجسته انسانی صورت گرفته‌است، هم‌چنین نمونه‌های پوشاک به‌دست‌آمده در نقوش تخت جمشید ثابت می‌کنند که لباس ایرانیان در دوره هخامنشی الگو گرفته‌شده از لباس دو قوم مغلوب است، و از برتری پوشش هخامنشیان نیز می‌توانیم به پوشیدن شلوار برای اولین بار در اینجا اشاره کنیم که معمولاً با کت‌های پارسی باستان نشان داده می‌شوند. تزیینات پوشاک پارسی باستان بسیار به آشوریان باستان شباهت داشت (Houston, Hornblowerh, 1920: 96). ممکن است نمایش قدرت با اضافه کردن نمادهایی چون بال برای انسان، ملهم هنر این قوم باشد هرچند این تزیینات در لباس ایرانیان با زیبایی بیشتر به کار رفته

مشخصی وجود داشت. هر شرایط اجتماعی لباس خود را داشت و همین‌طور است که شکاف بین کلاس‌ها و طبقات اجتماع، طبیعی تلقی می‌شد (Vrencoska, 2009: 670). البته در این مورد باید گفت این که در منابع مکتوب اثری از مخالفت با قوانین و کدهای پوششی صادر شده از سمت طبقات جامعه دیده نمی‌شود، ممکن است به دلیل دستکاری تاریخ و برساختن واقعیتی که مطلوب خواست حکومت است نیز باشد. در همین‌زمینه مخالفت‌هایی هم اگر بوده به نتیجه ختم نمی‌شده و با اعمال زور و تنبیه خاموش و اصلاح می‌شده‌است اما در قرون گذشته در اجتماع غربی مقاومت‌هایی جهت اصلاح وضع پوششی در گروه زنان صورت گرفته‌است که برای نمونه یک مورد را اشاره خواهیم کرد: پوشش زنان و چالش شلوار که به نماد برابری جنسیتی تبدیل شد. شلوار در سال ۱۹۶۶ میلادی برای زنان تبدیل به پوششی محبوب و شیک شد. امروزه این لباس‌ها اغلب به‌عنوان "سبک آندروژنی" بیان می‌شوند که در آن هویت جنسیتی را با مفاهیم موجود به چالش می‌کشد. "آندروژنی" اصطلاحی است که از ترکیب کلمات "آندرو" به معنی "مرد" و "ژنی"، به معنی "زن" در یونانی تشکیل شده‌است (Akdemir, 2018: 1395). این تحول نیز در پی تولد عصر مدرن صورت گرفته‌بود و به سبکی از پوشش بدل شد.

پوشاک ایران

در محدوده جغرافیایی ایران حکومت‌های بی‌شماری شکل گرفتند و هرکدام برای خود آداب و رسوم خاص بنا نهادند. در این بین پوشش از اهمیت خاصی برخوردار است. حکام به وسیله لباسشان نوعی از جلال و جبروت را به مخاطبان عرضه کرده‌اند که مسافران از گوشه و کنار دنیا این لحظات را ثبت کرده‌اند؛ همین‌طور در طول تاریخ حکومت‌ها به جهت ایجاد تمایز و یا نمایش سلطه دست به ابداع محدودیت‌هایی در نوع پوشش طبقات مختلف اجتماع زده‌اند. اغلب

بودند که خود گواه ذوق و هنر ایرانیان است که با دانش خود جلالتی بیشتر به هنر اقوام مغلوب خود بخشیدند. در طول تاریخ نویسندگانی بوده‌اند که در مورد سلاطین قلم زده‌اند و از نوشته‌های تاریخ‌نگاران آنچه باقی مانده است گواه بر خوی نیکوی سلاطین ایران در پوشش است. می‌توان به «گزنه‌فون» اشاره کرد، او در کوروش‌نامه از خوی ساده پارسی کوروش گفته است، بی‌علاقه به تجملات بوده و اغلب با لباس و ظاهری ساده و بدون آرایش و زیور و تزیین در جمع مردم خویش می‌آمده است، ولی هم‌چنین او در جایی که لازم به شکوه و جلال بود جهت تسلط بر دیگران با هیئتی بسیار باشکوه و مجلل ظاهر می‌شد و از این رو است که در اغلب آثار دوره هخامنشی علائم شکوه و جلال بسیار دیده می‌شود (وهرام، ۱۳۵۰: ۱۷۹). در نقش‌برجسته‌های ساسانیان نیز پوشش شاهان و ایزدان و الهه‌گان شبیه به هم رسم شده است و اختلافات در تاج و یا اضافه شدن شل یا سرانداز بر لباس ایزدبانو دیده می‌شود اما به‌طور کلی می‌توان ادعا داشت که در استفاده از روبان‌های افراشته ساسانی که نمادی از الوهیت و فره‌مندی است بین اشخاص روحانی و شاهان تفاوتی دیده نمی‌شود.

مختصری از اوضاع اجتماعی دوره میانی قاجار

سیستمی که بر ایران عهد قاجاری مستولی بود هر نوع تغییر را به عنوان سنت‌شکنی و منحرف بودن فرد درخواست‌کننده تلقی می‌کرد، این دقیقاً تأثیری بود که از فرهنگ قومی و قبیله‌ای قجری در سیستم نوکر و چاکری ناشی می‌شد و این فرهنگ مانعی بر سر راه فرهنگ استدلال، اظهار نظر و نقد شده بود. در این سیستم مردم صرفاً اجازه داشتند رعیت باشند و نه شهروندانی که از حقوق اجتماعی برخوردار هستند، از این جهت اصلاحات در ایران تا جایی که به این سیستم لطمه وارد نمی‌کرد جایز بود؛ مانند اصلاحاتی که در وضع پوشش ملت صورت گرفت. چرا که به اصول و شیوه چپاولگری درباریان و قبیله حاکم

منافاتی نداشت و حتی با واردات پارچه و لباس فرنگی نیز سود سرشاری به بازرگانان وابسته می‌رسید. این نوع اصلاحات، مورد تأیید شاه قاجار و موجب تقویت نظام استبدادی آنان بود. اصول قانون‌خواهی که در تحولات دنیای جدید رایج بود با منافع ناصرالدین‌شاه قاجار در تضاد بود، او فکر می‌کرد که نتواند سرعت و شتاب این اصلاحات جهانی را در ایران مهار کند و نگران بود که حکومت خود را از دست بدهد. ناصرالدین‌شاه با تعلیم و معارفی که به آزادی قلم و افکار منجر شود مخالف بود. در این برهه گروهی از روشن‌فکران که با این ساختار قدرت و خودکامگی دربار مخالف بودند در تلاش بودند به وسیله اتکا به اصلاح قانون و حقوق اساسی، حکومت مشروطه را بنا نهند؛ این روشن‌فکران دیگر به الهی بودن حکومت قاجاری و فره‌مندی شاه ایمان نداشتند (ربانی‌زاده، لطفی، ۱۳۹۴: ۶۷-۶۵) قدرت‌های استعماری در پی منافع سیاسی در مذاکرات و قراردادهای با ایران بودند و بعد از وسعت یافتن بازار محصولات در جهان در پی قدرت اقتصادی هم بودند. در انتهای قرن سیزدهم هجری هر دو جنبه منافع اقتصادی و سیاسی از کشور ایران را خواستار بودند که به وسیله تجارت‌خانه‌ها در تجارت با اروپا سود کلانی نهفته بود و تجار ایرانی کم-کم به عرضه‌کنندگان کالاهای اروپایی تبدیل شدند تا صادرکنندگان محصولات ایرانی؛ و اینگونه بود که کم-کم صنایع ایران در زمینه نساجی و ... رو به زوال رفته و کشور وابسته به واردات کالاهای خارجی شد (ربانی-زاده، لطفی، ۱۳۹۴: ۷۱-۷۰).

مختصری از دوره ناصرالدین شاه

دوره سلطنت ناصرالدین‌شاه در قالب اقتدارگرایی موجب انحطاط ایران شد. اقتدارگرایی موجب تنبیل شدن شهروندان است، چرا که استعداد آنان را پایمال خواهد کرد، پس تملق و چاپلوسی از افراد صاحب‌منصب تنها عامل پیشرفت در این سیستم

مانند یک ارثیه از آن نگهداری می‌شود. پوشش افراد در این اجتماع بسته به دسته و گروهی که در آن قرار دارند تعیین می‌گردد. کم‌کم اصول اعتقادی مردم به دلیل وجود روابط غرب و برخورد مردم با مدرنیته دست‌خوش تغییراتی چند گشت. در این تغییرات پوشش نیز سرگذشت ویژه خود را طی کرد و دوره‌ای که سنت به مرور در حال کمرنگ شدن و مدرنیته در حال وقوع بود آغاز شد. سفرهای شاه به فرنگ نیز موجب خلق کدهای دستوری جدید برای زنان دربار و اندرونی شاه شد. در حقیقت این کدها تقلید خام دسته‌ای از بالرین‌های تماشاخانه کاولین سن‌پترزبورگ بود. در این دوران تغییر ارزش‌ها به سمت‌وسوی فردی‌شدن را داریم و ورود زنان به عرصه‌های اجتماعی را شاهدیم که در ایران در دو مرحله بروز یافت؛ در وهله اول نیاز اقتصادی بود که موجب بروز مدرنیته شد، فرهنگ غربی با ابزار غرب‌زدگی وارد ایران شد و مرحله دوم را شکل داد که شاهد لباس‌های کاملاً اروپایی در پوشش بانوان در سطح اجتماع هستیم (اباذری و طیبی، ۱۳۹۶: ۲۴-۱۷). به نوعی می‌توان گفت ضعف درونی ناصرالدین‌شاه از عقب‌ماندگی و بی‌کفایتی او در اداره مملکت با تقلید صرف از تفریحات و سرگرمی‌های فرنگی پوشانده شد و خود را به وسیله مشغول کردن با ظواهر توجیه کرد و به زعم خود توانست مظهر ترقی را در ایران پیاده کند. کت و دامن‌های روز اروپایی بر تن زنان ایران در شهرهای مسلمان‌نشین غوغایی فرهنگی و جدالی هویتی را به بار آورد که ورود ایران به عصر مدرنیته را فریاد می‌زد. در اینجا، فرد محور هستی‌شناسی در اجتماع شده‌بود و دیدگاه‌های انسان‌گرایانه مد روز شد. آن همه جلال و شکوه شاهانه که در زمان فتحعلی‌شاه به مدد هژمونی تصاویر صورت داده‌بود؛ تصویر ذهنی که در بین مردم وجود داشت که حاکی از فرهنگداری جنبه‌ای الهی شاه بود (ریشه در اندیشه و اعتقادات مردم نیز داشت) دست‌خوش تغییر شد. در آن روزگار پایه‌های اعتقادی مردم دچار لرزش شد زیرا با دیدن

است و شخص با این عمل خود را به طور کامل در اختیار آن قرارخواهدداد (سریع‌القلم، ۱۳۸۹: ۹۰-۸۸). منافع اکثریت افراد سیاسی در دوره قاجار به منافع کشور ارجحیت داشت. تنها عده معدودی در دوره مشروطه رشد کردند که وفادار به مصالح وطن بودند. در تاریخ ایران افرادی که به تغییر و تحول در سیستم اقتدارگرایی محدود بودند و اکثریت صاحب‌منصبان راحت طلب و خوش‌گذران بودند. بعد از قتل امیرکبیر در دوران هفت‌ساله صدارت میرزا آقاخان نوری، منافع مهدعلیا و درباریان و تمام وابستگان نوری تامین شد و ایران به مدد میرزا آقاخان نوری تحت اراده و خواست انگلستان عمل می‌کرد.

هرچند ناصرالدین شاه طی سفرهای خارجی خود هفده ماه در کشورهای مرفعی جهان سپری کرده بود، باز هم از پیشرفت‌های جهان بی‌اطلاع بود و یا توجهی بدان‌ها نداشت، آن روزها مهم‌ترین پیشرفت‌های علمی بشریت در حال وقوع بود. او تنها به ظواهر چهره تمدن و جنبه‌های سرگرم‌کننده پیشرفت نظر داشت. ناصرالدین‌شاه با سستی اراده تمایلی به تغییر ساختار و تغییر سیستم سراسر فساد در اداره کشور نداشت. آن‌گاه ایران وابستگی هرچه بیشتر اقتصادی به کشورهای خارجی پیدا کرد، معاهدات و قراردادهای تجاری همگی موجب انحطاط بیشتر کشور شد. «دوره ناصرالدین شاه دوره کلاسیک در اقتدارگرایی ایرانی است که سرکوب اندیشه آزادی‌خواهی و انتقاد یا اصلاح امور در این دوره به طور ویژه گسترش یافت. دو میراثی که از این دوره در ژن بسیاری باقی‌مانده است، بی‌اصولی و بی‌اخلاقی است» (همان: ۹۹-۹۲).

عهد ناصرالدین‌شاه قاجار و نمود تحولات در

پوشش

در دوره قاجاریه شاهد طی شدن سه دوره در اجتماع هستیم، اولین دوره، جامعه‌ای سنتی است که در آن هویت فرد معنای خاصی ندارد و در گرو وجود خانواده، هستی می‌یابد و اصول اعتقادی در آن ثابت مانده و

تصاویر و عکس‌هایی که ناصرالدین شاه در آن با حالت‌های گوناگون و عاری از شوکت شاهانه بود و یا تصویری که در آن زنان حرم‌سرای شاه به نمایش گذاشته شده بودند، موجب شد بنیان‌های اعتقادی مردم متزلزل گردد و پیکر خداگونه و مثالی شاه در این تزلزل آسیب ببیند، تا جایی که زمینه‌ساز شکل‌گیری این تفکر شد که شاه نماینده پروردگار در زمین نیست و حتی می‌توان در صورت لزوم دست به قتل او زد. این ایده رشد یافت و میرزا رضا کرمانی در ترور شاه جامه عمل به این ایده پوشاند. باید اعتراف کرد که نقش روشننگری تصاویر و عکس‌های شاه در این واقعه قابل توجه است و اتفاقات در پی یکدیگر شکل می‌گیرند.

تصاویر و عکس‌های ناصرالدین شاه و اطرافیان او در موقعیت‌های گوناگون در قالب جدول (۱) آورده شده است که دوره‌بندی کاملاً مختصری از وضع

تفکری منعکس شده در پوشش را نمایش می‌دهد، دوره سنت زمانی است که جامعه و پوشش هنوز با مدرنیته و اتفاقات جهان خارج ایران به طور جدا هستند و تحت تاثیر هم واقع نشده‌اند، در دوره گذار ایران به سبب ورود فرنگ‌گشته‌ها و مستشاران و سفرهای شاه به فرنگ در حال تغییر است، شاه در تلاش برای رسیدن به ظاهری شبیه به کشورهای دیگر در جهان است. دوره مدرنیته زمانی است که ایران و لباس در ایران شاهد تحولات جهانی در عرصه‌های مختلف اجتماع است و می‌توان گفت رسوخ مدرنیته در تمامی لایه‌های ایران دیده می‌شود. کالاهای فرهنگی و اقتصادی فرنگی‌شده ایران نیز، به تغییر ظاهر دربار و مردم سرعت بخشیده و رختی نو در بر مردم و شاه و دربار کرده است، این تقسیم‌بندی به طور کاملاً مختصر می‌تواند نمودی کوچک و گذرا از تفکر و پوشش آن روزگاران باشد.

جدول ۱- تصاویر و عکس‌های ناصرالدین شاه قاجار. منبع: (نگارندگان)

شماره	تصویر	دوره سنت	دوره گذار	دوره مدرنیته	نتیجه
۱	 منبع: (URL:1)		پوشش زنان تقلیدی ضعیف از بالرین‌های فرنگی است، ترکیب دامن چین دار کوتاه و چارقد و سرپوش.		شاه به شیوه‌ای اشتباه سعی در مدرن کردن مملکت داشت.
۲	 منبع: (URL:1)		پوشش زنان تقلیدی ضعیف از بالرین‌های فرنگی است، ترکیب دامن چین دار کوتاه و چارقد و سرپوش.		شاه به شیوه‌ای اشتباه سعی در مدرن کردن مملکت داشت.
۳	 منبع: (URL:2)			پوشش زن درباری قاجار همانند مدل‌های روز اروپایی شده است، پیراهن بلند بدون استفاده از حجاب و سرپوش.	پوشش، نماینده عصر جدید در ایران است.

۴		منبع: (URL:3)	پوشش زن درباری قاجار همانند مدل‌های روز اروپایی شده‌است. پیراهن بلند بدون استفاده از حجاب وسرپوش.	پوشش، نماینده عصر جدید در ایران است.
۵		منبع: (URL:4)	پوشش زنان تقلیدی ضعیف از بالرین‌های فرنگی است، ترکیب دامن چین دار کوتاه و چارقد و سرپوش.	شاه به شیوه‌ای اشتباه سعی در مدرن کردن مملکت داشت.
۶		منبع: (URL:5)		پوشش، نماینده عصر جدید در ایران است.
۷		منبع: (URL:6)	پوشش زنان تقلیدی ضعیف از بالرین‌های فرنگی است، ترکیب دامن چین دار کوتاه و چارقد و سرپوش.	شاه به شیوه‌ای اشتباه سعی در مدرن کردن مملکت داشت.
۸		منبع: (URL:1)	پوشش زنان تقلیدی ضعیف از بالرین‌های فرنگی است، ترکیب دامن چین دار کوتاه و چارقد و سرپوش.	شاه مجذوب پیشرفت غرب شده و جلوس بدون اقتدار شاهانه را نثرمی‌دهد و بدن مثالی شاه را فراموش می‌کند.
۹		منبع: (URL:7)	در پوشش شاه و درباریان کوتاه شدن ردای سنتی را می‌توان دید استفاده از نشان و مدال ملهم از یونیفرم نظامی دیده می‌شود.	شاه مجذوب پیشرفت غرب شده‌است.

۱۰		منبع: (URL:8)	فرم قرارگیری بدن شاه دیگر نشانی از شکوه و فره مندی ندارد و بدن مثالی شاه دستخوش تغییر شده است و جایگاه خداگونه را ترک می کند.	نمایش ژست عوامانه برای شاه منجر به تخریب وجه شاه در ذهن مردم می شود.
۱۱		منبع: (URL:9)	فرم قرارگیری بدن شاه دیگر نشانی از شکوه و فره مندی ندارد و بدن مثالی شاه دستخوش تغییر شده است و جایگاه خداگونه را ترک می کند.	نمایش ژست عوامانه شاه منجر به تخریب وجه شاه در ذهن مردم شد.
۱۲		منبع: (URL:13)	فرم قرارگیری بدن شاه دیگر نشانی از شکوه و فره مندی ندارد و بدن مثالی شاه دستخوش تغییر شده است و جایگاه خداگونه را ترک می کند.	نمایش ژست عوامانه شاه منجر به تخریب وجه شاه در ذهن مردم شد.
۱۳		منبع: (URL:14)	اقتدار و شکوه در چهره و فرم قرارگیری بدن شاه دیده می شود و پوشش شاه با پارچه های فاخر و خز جلال و فره مندی را به او می بخشد.	وجود اقتدار در تصویر او جلال شاهانه را نشان می دهد.
۱۴		منبع: (URL:15)	کلاه فرنگی بدون آذین های شکوهمند شاهانه بر سر شاه ایران موجب تغییر شان شاهانه در اذهان مردم شد.	شاه مجذوب پیشرفت غرب شده است.
۱۵		منبع: (URL:7)	در پوشش شاه و درباریان کوتاه شدن ردای سنتی را می توان دید، استفاده از نشان و مدال ملهم از یونیفرم نظامی دیده می شود.	شاه مجذوب پیشرفت غرب شده است.

۱۶		منبع: (URL:10)	در پوشش شاه و درباریان کوتاه شدن ردای سنتی را می توان دید، استفاده از نشان و مدال ملهم از یونیفرم نظامی دیده می-شود.	شاه مجذوب پیشرفت غرب شده است.
۱۷		منبع: (URL:11)	فرم قرارگیری بدن شاه دیگر نشانی از شکوه و فره مندی ندارد و بدن مثالی شاه دستخوش تغییر شده است و جایگاه خداگونه را ترک می کند	ژست عوامانه شاه منجر به تخریب وجه شاه در ذهن مردم می شود
۱۸		منبع: (URL:12)	فرم قرارگیری بدن شاه دیگر نشانی از شکوه و فره مندی ندارد و بدن مثالی شاه دستخوش تغییر شده است و جایگاه خداگونه را ترک می کند.	نمایش ژست عوامانه برای شاه منجر به تخریب وجه شاه در ذهن مردم می شود.
۱۹		منبع: (URL:16)	فرم قرارگیری بدن شاه دیگر نشانی از شکوه و فره مندی ندارد و بدن مثالی شاه دستخوش تغییر شده است و جایگاه خداگونه را ترک می کند.	عکاسی از علایق شاه و نشانه تجدد اوست.
۲۰		منبع: (ذکاء، ۱۳۳۶: ۲۷)	پوشش زنان تقلیدی ضعیف از بالرین های فرنگی است، ترکیب دامن چین دار کوتاه و چارقد و سرپوش.	شاه به شیوه ای اشتباه سعی در مدرن کردن مملکت داشت.
۲۱		منبع: (ذکاء، ۱۳۳۶: ۳۷)	پوشش زنان تقلیدی ضعیف از بالرین های فرنگی است، ترکیب دامن چین دار کوتاه و چارقد و سرپوش.	شاه به شیوه ای اشتباه سعی در مدرن کردن مملکت داشت.

نتیجه‌گیری

در طول تاریخ ایران حکومت‌ها همواره از پوشش به عنوان ابزاری برای اعمال سلطه استفاده کرده‌اند. پوشش در گذشته جنبه‌ای صرفاً زینتی نداشته و بیانگر طبقات مختلف اجتماع ایران نیز از مسئولیت‌های پوشش بود، برخی از این عوامل که موثر در نحوه بیانگری پوشاک طبقات و دسته‌ها اجتماع هستند و نیز بیان‌کننده اعتقادات فردی و یا حتی خانواده شخص را بر عهده داشته‌است به وسیله این کدهای پوشش بود که محدودیت‌های اجتماع و شرح نانوشته وظایف را بر اشخاص اعمال می‌کردند. مولفه‌هایی که سازنده هویت فرد در جامعه بودند در پوشاک به نمایش درمی‌آمده و هر دوره و یا هر دین بسته به اعتقاداتشان و نیاز زمانه هویت خود در لباسی که بر تن می‌کردند را نمایش می‌داند که در گرو پیوند دادن فرد به دسته و گروه یا خانواده او بود. لباس عامل معنی‌بخشی به فرد در اجتماع بود، لباس رسانه‌ای در خدمت ساخت و بیان هویت در فرد بود، اما این هویت در دوره ناصرالدین‌شاه قاجار دچار تغییر شد و چرخشی داشت که در اعتقادات ایرانیان نیز ریشه‌های خود را دوانده بود و موجب مقاومت شد. همین مقاومت نیز سرانجامی شوم برای شاه رقم زد، حس کمبودی که در دل و ذهن ناصرالدین‌شاه فرنگ‌گشته ظهور یافته بود موجب شد تا او از ترقی و پیشرفت تنها به جنبه‌های تفرج و سرگرمی آن بسنده کند و به حفظ منافع قومی قاجار ادامه دهد و از این‌رو با ارائه کدهای پوششی به زنان دربار و تلفیق پوشش غربی و ایرانی منجر به ساخت منظره‌ای التقاطی از زن ایرانی

با روسری و لباس بالرین‌های فرنگی شد که دوام چندانی نداشت و در سال‌های بعد جای خود را به لباس مدرن غربی داد و کت و دامن و پیراهن‌های فرنگی بر تن زنان دربار و اشراف و حتی سطح جامعه شهری دیده می‌شد. این چرخش در پوشش به همراه خود تغییرات فراوانی را داشت که تنها در ظاهر به این تغییر بسنده نکرد در دنیا تغییرات عصر مدرن با سرعت وقوع یافت و ایران غرب‌زده نیز احساس کرد باید به روند تغییرات سرعت بخشد، اما این سرعت موجب به اشتباه رفتن در امر مدیریت از سوی ناصرالدین‌شاه شد و با تخریب چهره خداگونه و مثالی شاه در ذهن مردم و رشد ارزش‌های انسان‌گرایانه در اندیشه‌های اجتماع زمینه‌ساز قتل او نیز شد. هویت شخص اول مملکت نیز در این مدرنیزاسیون تحریف گشت و این تحریف موجب ضعف او شد و به داستان این شاه مدرن و مترقی پایان داد. پوشش در تمامی ادوار تاریخ ایران همواره بیان‌کننده هویت بوده‌است و زمانی که حاکم ملتی هویت خوش را با تقلید از بیگانه از دست بدهد، اقتدار خویش را از دست داده‌است. هویت با تکیه به دسته و گروه و در جمع است که شکل می‌گیرد و از آنجا که با تقلید از ظواهر یک جامعه مترقی نمی‌توان به آن گروه یا جامعه پیوست و تنها دست‌آورد این تقلید سرگشتگی و بی هویتی جامعه ایران بود و پایه‌های اعتقادی جامعه به لرزه درآمدند و این لرزش موجب مقاومت ملت در برابر حکومت ناصرالدین‌شاه شد و به این ذلت با قتل او پایان داده‌شد.

1. Dress
2. Dressing
3. Androgeny
4. Andro
5. Gyne

منابع

- ابادری، مانا؛ طیبی، حبیب الله (۱۳۹۶)، مطالعه تطبیقی پوشاک بانوان قاجار قبل و بعد از سفر ناصرالدین شاه به فرنگ (مطالعه موردی: لباس سنتی و لباس تجدد بانوان)، *نشریه پژوهش هنر*، شماره ۱۳، ۳۰-۱۵.
- بای، عبدالرضا (۱۳۹۰)، قدرت دانش و هژمونی در فرایند جهانی شدن، *نشریه تحقیقات حقوق خصوصی و کیفری*، شماره ۱۵، ۷۴-۴۳.
- بابایی، پروین؛ اکبری، فاطمه (۱۳۹۳)، بازنمایی عوامل موثر بر شکل‌گیری سبک پوشاک ایرانیان، *فرهنگ مردم ایران*، شماره ۳۸ و ۳۹، ۲۶-۹.
- حاج سیدجوادی، علی اصغر (۱۳۵۷)، *بحران ارزش‌ها*، سازمان انتشارات جاویدان.
- دزی، ر.پ.آ (۱۳۴۵)، *فرهنگ البسه مسلمانان*، ترجمه حسینعلی هروی، تهران، دانشگاه تهران.
- ذکاء، یحیی (۱۳۳۶)، *لباس زنان ایران از سده سیزدهم هجری تا امروز*، اداره موزه‌ها و فرهنگ عامه، اداره کل هنرهای زیبای کشور تهران.
- رابینسون، دیو (۱۳۸۰)، *نیچه و مکتب پست مدرن*، ترجمه ابوتراب سهراب و فروزان نیکوکار، تهران، نشر فرزانه روز.
- ربانی‌زاده، سید محمدرحیم؛ لطفی، لطف الله (۱۳۹۴)، *ساختار قدرت در ایران عصر ناصری*، جستارهای سیاسی معاصر، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال ۶، شماره ۴، ۷۷-۵۷.
- رحیمی، پریچهر (۱۳۸۵)، *تاریخ پوشاک ایران - نگرشی بر پوشاک ایرانیان از هزاره پنج پیش از میلاد تا اواخر دوره هخامنشیان*، تهران، انتشارات دانشگاه هنر.
- سریع القلم، محمود (۱۳۸۹)، *اقتدارگرایی عهد قاجار*، نوبت چاپ دوم (بی‌جا)، ممنوع چاپ.
- فوکو، میشل (۱۳۸۹)، *نظم اشیاء دیرینه شناسی علوم*، ترجمه یحیی امامی، ناشر: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- وهرام، مجید (۱۳۵۰)، *تصاویر مستندی از سکه‌ها و پیکره‌های شاهنشاهان ایران از دوره هخامنشی تا پایان دوره ساسانی*.
- *بررسی‌های تاریخی*، شماره مخصوص (دو هزار و پانصدمین سال بنیانگذاری شاهنشاهی ایران).

References

- Akdemir, N. (2018), **Visible Expression of Social Identity: the Clothing and Fashion**, Gaziantep University Journal of Social Sciences, 17 (4), 1389-1397.
- Barthes, Roland (2013.), **The Language of Fashion**, Translated by Andy Stafford, Edited by Andy Stafford and Michael Carter, London, New delhi, New York, Sydney.
- Howlett, N. and Orakcioglu, I. and Fletcher, B.C and J Pine, K. (2013), The Influence of Clothing on First Impressions: Rapid and Positive Responses to Minor Changes in Male Attire Article. **Journal of Fashion Marketing and Management**. DOI: 10.1108/13612021311305128.

- Houston M & Hornblower .f (1920), **Technical History of Costume Ancient Egyptian, Assyrian, and Persian Costumes**, Published by a.& c. Black Limited, London.
- Roach Higgins, M.E and B. Eicher, J. (2014), **Dress and Identity, Journal Clothing and Textiles Research**. DOI: 10.1177/0887302X9201000401
- Saravanan, d. (2015), **Fashion Trends and Its Impact on Society**. Conference Paper : <https://www.researchgate.net/publication/282571020>
- Vrencoska, g. (2009), **Political Statements in Conceptual Fashion: the Voice of National Sentiments** (as a Self-Reference in the Ready-to-Wear Collections of Alexander McQueen and Hussein Chalayan), European University, Republic of Macedonia.

- URL1: <https://www.cgie.org.ir/fa/news/130644/> Accessed at 04-04-2021
- URL2: <https://wisgoon.com/pin/5521654/> Accessed at 04-04-2021
- URL3: <https://wisgoon.com/p/U3H5LLWERR/> Accessed at 04-04-2021
- URL4: <https://wisgoon.com/p/NDXC98FZN9/> Accessed at 16-04-2021
- URL5: <https://wisgoon.com/p/JTULI9XPHH/> Accessed at 01-05-2021
- URL6: <https://wisgoon.com/p/TS9XR6BHSM/> Accessed at 04-04-2021
- URL7: <https://www.mehrnews.com/news/3712691/> Accessed at 01-05-2021
- URL8: <https://wisgoon.com/p/2FW3XHEAE7/> Accessed at 24-05-2021
- URL9: <https://www.entekhab.ir/fa/news/588416> Accessed at 11-06-2021
- URL10: <https://www.cgie.org.ir/fa/news/127238/> Accessed at 11-06-2021
- URL11: <http://khabgard.com/8288/> Accessed at 24-05-2021
- URL12: <https://www.yjc.ir/fa/news/7071385/> Accessed at 11-06-2021
- URL13: <https://www.asriran.com/fa/news/429013/> Accessed at 04-04-2021
- URL14: <https://www.kojaro.com/figures/192067-nasiraldin-shah-qajar/> Accessed at 04-04-2021
- URL15: <https://soraya.news/fa/news-details/37492/> Accessed at 24-05-2021
- URL16: <https://mahfouzi-museum.com/%D8%B7%D8%A8%D8%B9%D8%A7%D9%85%DB%8C%D8%A7%D9%86%D9%87-%D8%AF%D8%B1-%D8%A7%DB%8C%D8%B1%D8%A7%D9%86-%D8%B9%D8%B5%D8%B1-%D9%86%D8%A7%D8%B5%D8%B1%DB%8C/> Accessed at 04-04-2021